

سال نخست دولت پزشکیان؛ آزمون چندلایه بحران‌ها در میدان و دیپلماسی

استاد دانشگاه شرق لندن در یادداشتی به مناسبت هفته دولت نوشت: در بسیاری از کشورها، سال اول حکم دوره تثبیت دارد، چپش آرام کاینه، هماهنگ‌سازی دستگاه‌ها، تنظیم سیاست‌های اجرایی و تلاش برای تحقق وعده‌های انتخاباتی؛ اما برای دکتر پزشکیان این سال عملاً به یک میدان چندلایه آمون در حوزه‌های امنیت ملی، دیپلماسی منطقه‌ای، اقتصاد داخلی و مدیریت افکار عمومی بدل شد.

رسانه‌ای فعال و اقداماتی مانند مصاحبه رئیس جمهور با شبکه تاکر کارلسون نشان‌دهنده ارتقای حساسیت دولت نسبت به نقش رسانه در سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود.

صداقت سیاسی: بازگشت به واقع گرایی در حکمرانی

نگاهی دقیق تر به تجربه دولتهای پیشین و روندهای حکمرانی در سالهای گذشته نشان می دهد که مشکل اصلی، نه در صداقت بلکه در پنهان کاری، افراق، توهم و روایت سازی های غیر واقعی بوده است؛ رویکردهایی که تنها بهبود وضعیت کشور کمک نکرده اند، بلکه فاصله میان دولت و ملت را افزایش داده و سرمایه اجتماعی را فرسوده اند. به نظر می رسد پیشگامان علم به هزینه ها، آگاهانه مسیر متفاوتی را برگزیده است. در سخنانش بارها تأکید کرده که مردم صاحبان اصلی کشوروند و شایسته اند که حقیقت را - هرچند تلخ - از زبان مسئولان بشنوند، نه از رسانه های بیگانه یا رهبران دشمن. این شیوه از حکمرانی، هرچند در کوتاه مدت اما محال امتیاز سیاسی برقرار گیرد، اما در منظومه نظریه های مشروعیت ساز حکمرانی، دقیقاً همان نقطه ای است که بازسازی سرمایه اجتماعی آغاز می شود: در هرگز مثل تلخی و اقتدار و صداقت مسئولان، پیشگامان معتقد بوده است که رفتار با پنهان کاری مسئولان و بحران های کشور شکل نمی گیرد، بلکه با پذیرش شجاعانه بحران ها و ایجاد اراده ای شفاف برای آن ها مشکل می گیرد. در چارچوب نظریه های روابط بین الملل، رویکرد دولت چارچوب در بیان صریح واقعیت ها و هرگز از روایت سازی افراق آمیز می توان در قالب مفاهیم مشروعیت سازی از طریق شفافیت و تداوم نرم تحلیل کرد. مطابق دیدگاه های سازه انگاری (Constructivism) نهادگرایی لیبرال (Liberal Institutionalism)، شفافیت و گفت و گوی صادقانه با جامعه داخلی، ضمن تقویت سرمایه اجتماعی، پیام روشنی به بازیگران خارجی ارسال می کند. دولت از پشتوانه واقعی مردمی برخوردار است و بر مبنای داده ها و واقعیت ها عمل می کند. افزون بر این، بیان شفاف واقعیت ها می تواند دامنه عملیات رونسایی رقیب را محدود و اثرگذاری پروپاگاندا را کاهش دهد، به گونه ای که میدان دولت سازی خصم را برای آنان تنگتر کند.

باین حال، پیروان نظریه واقع گرایی (Realism) هشدار می‌دهند که افزایش بیش از حد محدودیت‌ها می‌تواند از سوی رقیب به‌عنوان نشانه ضعف تلقی شود. در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیز، تأکید بر مشکلات داخلی می‌تواند بر ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاران و شرکای تجاری تأثیر منفی بگذارد و در نتیجه، هزینه‌های جذب سرمایه خارجی را افزایش دهد.

که البته در شرایط فعلی کشور و با وجود مسئله تحریم ها و مانع موجود بر سر راه جذب سرمایه خارجی، این مورد شاید چندان موضوعی برای پیداکندن بر این اساس، این استراتژی زمانی بیشترین کارایی را خواهد داشت که صدقات با مدیریت هوشمند پیرام هم راه شود؛ به گونه‌ای که در کنار بیان مشکلات، در اصل های عملی و نشانه‌های ملموس از توانایی کشور در غلبه بر چالش‌ها نیز ارائه شود. چنین ترکیبی می‌تواند صدقات را به سراسر جامعه نرم و انزوا پریشانه اهداف سیاسی خارجی ایران در یک محیط رقابتی و چندقطبی بدل کند.

جمع بندی: یک دولت بحران زیست با چهره آینده نگر
سال نخست دولت دکتر مسعود پزشکیان تصویری روشن

از یک دولت بخران زیست اراده داد؛ دولتی که در نخستین ماههای فعالیت خود از تهرانی‌ها چندایله و بخران‌های جدی را پیشتر سر گذاشت. یکی از ویژگی‌های برجسته این دوره، تلاش آگاهانه برای ایجاد توازن میان میدان و دیپلماسی بود. در حالی که در گذشته، گاه یکی از دو حوزه بر دیگری سایه می‌انداخت، پیش‌شکاین کوشید نشان دهد که می‌توان هم در میان قاطع بود و هم در دیپلماسی فعال. ورود به سال دوم، در مرحله‌ای حساس‌تر و تعیین‌کننده‌تر است. اختلافات رو به گسترش میان ایالات متحده و اروپا بر سر نحوه مواجهه با بخران‌های اروپامیانه و به‌ویژه جتاز، فرصت تازه‌ای برای بازتعریف و فعال‌سازی دیپلماسی متوازن این‌اقراره می‌سازد که است. هم‌زمان، سپردن نقش میانجی‌گری در گفت‌وگوهای ایران و آمریکا به کشوروهای حوزه خلیج فارس و تبدیل این مذاکرات به رویکردی عمدتاً دو جانبه، جایگاه اروپا را به‌خاطر راندن و احساس نادیده‌گرفتن شدن از سوی واشنگتن را در پایتخت‌های اروپایی تقویت کرده‌است.

این احساس، همواره با نگرانی‌های هسته‌ای، از عوامل جدی‌شدن بحث فعال‌سازی ماکسیسم مائو از سوی اروپا به شمار می‌رود. در مقابل، حضور مهم ایران در سازوکارهای همکاری‌های شرقی و مرکزی و سازمان همکاری‌های شانگهای و امکان پیوند این عضویت‌ها به پروژه «ابتکار کمربند و جاده» چین، در کنار گسترش روابط با همسایگان، بستری تازه‌ای برای جهش در تجارت، ترانزیت و فناوری فراهم کرده است. بازگشت احتمالی سرمایه‌گذاران منطقه‌ای در صورت کاهش نسبی تنش‌های دیپلماتیک نیز می‌تواند موتور محرک بهبود زیرساخت‌های اقتصادی باشد. هدایت بخشی از این سرمایه‌ها به حوزه‌های نوآورانه، هم‌بوی توسعه و کاربرد هوش مصنوعی، می‌تواند سهم ایران از اقتصاد در به‌رشد این حوزه در خاورمیانه افزایش دهد. تحقق افکار نقشه راه هوش مصنوعی، علاوه بر اقتصاد، در حوزه‌های چون فرهنگ، آموزش، رسانه، بهداشت و درمان، امنیت و سیاست تأثیر گذار خواهد بود و به بازتعریف قدرت ملی و جایگاه ایران در نظام بین‌الملل کمک خواهد کرد. با این حال، دولت چهاردهم در سال دوم هجرتناجی با خطر بازگشت تحریم‌های شدیدتر، تشدید مشکلات اقتصادی، بحران انرژی و منابع آبی و تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک روبه‌رو خواهد بود. بهره‌گیری هوشمندانه از فرصت‌های موجود و شناسایی به‌موقع فرصت‌های جدید، در کنار حفظ دیپلماسی فعال، شرط اصلی عبور موفق از این چالش‌هاست.

از آنجایی که لغات‌شدن ماکسیسم مائو، به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل ممکن است بخش مهمی از این فرصت‌ها را محدود کند، اهمیت سیاست خارجی و دیپلماسی در سال دوم دولت و چندان تأکید خواهد کرد. اگر دولت این رویکرد را به درستی دنبال کند، می‌تواند امید داشت که ایران به تدریج از بحران‌های موجود عبور کرده و جایگاه خود را در نظام بین‌الملل به شکلی پایدار ارتقا دهد.



در سایه تحریم و تهدیدات ژئوپلیتیکی

در سال نخست دولت چهاردهم، دیپلماتی اقتصادی یکی از محورهای مهم سیاست خارجی بوده و محورهای ترکیبی از ابتکارهای جدید دولت پیشین و روندهای موجود در دولت‌های پیشین آغاز شده بودند. اجرای رسمی و افکار از این رویکرد ترکیبی بود. مذاکرات و اعضای اولیه این توافق در دولت سیزدهم انجام شده بود و بهر برادراری عملی از آن آغاز مبادلات ترجیحی در اردیبهشت ۱۳۸۴، در دوره دولت چهاردهم اتفاق افتاد. دولت پیشین با شرکت کارگروه‌های مشترک بین وزارت امور خارجه و بانک، صنعت، معدن و تجارت، تلاش کرد منابع تعرفه‌ای و بازاری را برطرف کرده و استفاده واقعی از ظرفیت‌های این توافق را ممکن سازد.

پیشبرد پروژه کردرو بر اساس الملی شمال جنوب نیز در همین چارچوب اهمیت ویژه ای یافته است. کردرو شمال جنوب، یکی از مهم ترین رده های ترازبندی بین الملی است. مطابق بین کشورهای حوزه خلیج فارس، ایران، دریای خزر، قفقاز، روسیه و اروپا برقرار می کند. این کردرو با کاهش قابل توجه ارزش زمان و هزینه انتقال کالا، به افزایش رقابت پذیری و بهره وری در سطح جهانی کمک می کند. دولت برزیل با کاهش همواره بر اهمیت ژئوپلیتیک مسیر ریلی رشت - آستارا - تکمیل حلقه مفقوده نهایی این کردرو بوده تأکید داشته است. این پروژه نه تنها یک مسیر حمل و نقل بلکه یکی برای توسعه دیپلماسی اقتصادی و افزایش سهم ایران از ترازبندی جهانی خواهد بود؛ با توجه به توافق آذربایجان و ارمنستان بر تسهیل کردرو زنگور، اجرای کامل پروژه رشت - آستارا - ژئوپلیتیک آن افزایش پیدا می کند. اگر کردرو فعال شود، بخشی از ترازبندی منطقه ممکن است به سمت مسیرهای دیگر، به خصوص از طریق ارمنستان یا ترکمن هدایت شود، که می تواند بر حجم کالاهای عبوری از آستارا اثر بگذارد. با این حال، ایران با هیچکدام از ترازبندی های مغربایی مهمی دارد: مسیر کوتادیر به قفقاز، مسیر استراسبورگ - آستارا - آلمان و روسیه و امکان پیوند این خط را در بدو شمال جنوب

دولت چهاردهم با تأکید بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های پند و پیانه ریلی استوار، به دنبال اثبات نقش طریقه تفکر، اما در شرایط تغییر مسیر تاریخی ایران در اوقات فراغت، آن‌کس که می‌تواند در یک آفرین باشد؛ به همین دلیل، توسعه خطوط حمل و نقل دریایی در خزر - به‌ویژه ارتباط مستقیم با بنادر روسیه - نه تنها یک مسیر جاگزین، بلکه یک ابزار حفظ نفوذ و سهم ایران در ترازیم منطقه خواهد بود. این تنوع مسیر می‌تواند مانع وابستگی یک‌جانبه به مسیر استاراشود و اعتداف‌پذیری شبکه ترانزیتی کشور را بلا براند.

علاوه بر این موارد، برای همای من به تقویت دیپلماسی اقتصادی دولت ترکیه و دولت یزدان، راه های میانگینی که در این زمینه از طریق پیوند روابط با همسایگان داشته است، سفرهای متعددی به منطقه ای رئیس جمهور به عراق، قطر، ترکمنستان، آذربایجان، تاجیکستان و پاکستان و همچنین موضوع است با وجود این تکاپو، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران از جمله توران کمبود زیرساخت های حمل و نقل و محدودیت های نظام مالی، کمبود همچنان مانع از آن شدند که آثار این اقدامات در معیشت روزمره مردم احساس شود. این ترکیب از میراث گذشته و معیشت کنونی، به تازگی به تصویر و تقویت این اقدامات در معیشت دولت چهاردهم راه ارائه می دهد: تصوری که به پراستمرار برخی مسیرهای آغاز شده در دولت های پیشین دلات دارد. دولت ترکان می دهد که در یک سال نخست، دولت ترکیه و دولت تلاش کرد در چند حوزه کلیدی، تصمیم گیری های تازاری را عملیاتی کند.

وفاق ملی؛ از شعار تا سازوکار

ترش‌سبک‌ان در تلاش بوده است تا شعار فراق ملی که در کارزار آزادیخواهی خود مطرح کرده بود را از سطح شعار به حوزه طراحی سیاست‌ها و کار عملیاتی منتقل کنند. این هدف را در پی خود داشتند تا به‌وسیلهٔ فراق ملی به احضور و تبدیل ناگوان، از جمله بر گزاری همایش گفت‌وگو ملی به حضور و ترویج شعار فراق ملی به‌وسیلهٔ برگزاری نشست‌ها و همایش‌های جناح‌های مختلف سیاسی در سراسر کشور. در تکیه‌های این‌ها نیز نسبت به گذشتهٔ او تنوع بیشتری در موضوعات و گرایش‌ها دیده می‌شود. دولت چهارم‌دهم برای تحقق فراق ملی، علاوه بر ایجاد بستر گفت‌وگو سیاسی، به نقش‌آفرینی همگرایانه رسانه‌ها و مدیریت روایت‌ها در شرایط جاری و پیش‌آیند نیز توجه ویژه نشان داد. تجربه جنگ ۱۲ روزه حوادث ۱۳۸۸ و ایام نهمین آبان ثابت کرد که انسجام داخلی بدون هماهنگی در سطوح رسانه‌ها کارآمد نمی‌شود. علاوه بر این، افکار عمومی و متخصصان و جهان‌های از طریق تصمیم‌ات نظامی و دیپلماتیک و تبلیغاتی، بلکه از مسیر رسانه‌ها شکل می‌گیرد. این‌دیپلماتسی

میدان و دیپلماسی به‌عنوان دو بازوی مکمل، در یک چارچوب
 اهری‌دی مشترک عمل کردند.

اقدامات و رابزین‌های فعالانه و هدفمند وزارت امور
 خارجه در زمان جنگ، و تلاش برای مقابله با روابت‌سازی
 -سانه‌ای رژیم صهیونیستی و تثبیت این گزاره در عرصه بین
 الملل که محقق‌سازی اسرائیل، تجاوز آشکارانه و بی‌دفاع
 سرورع، نقضت تعیین‌کننده در تکمیل پازل هم‌افزایی میدان
 دیپلماسی افکاره.

اتش بس و فضای پسا جنگ

پس از ۱۲ روز درگیری و هتلمه آمریکا مستقیماً وارد عمل شد با تلاش‌های مستقیم دیپلماتیک، آتش‌بس با میانجیگری قطر برقرار شد. اهمیت این پیش‌بینی آن است که بزرگ‌ترین پیش‌نهاد دهنده نیود و اسرائیل برای اولین بار بدون هیچ پیش‌شرطی نت پذیرش می‌داد. به تعبیر نظاران بین‌المللی، چنین پایانی در تاریخ درگیری‌های نظامی رژیم صهیونیستی بی‌سابقه بود و نشان از عدم موفقیت رژیم صهیونیستی در تحقق فاعل اهدافش در این جنگ داشت. به ویژه اینکه حمله آخر که بسیار مخرب و پر هزینه بود از جانب ایران صورت گرفت. نکته سوم آن فرسایشی شدن جنگ و افزایش هزینه‌های نظامی و اقتصادی و از سوی دیگر توانست ایران را به عنوان بازیگری عاقل و حسابگر معرفی کند که در چنین به‌ویژه حربه‌برد، بر مسیر دیپلماتیک غافل نمی‌نهد و با تمام قدرت در برابر تجاوز خارجی از خود دفاع می‌کند.

بسا این حال، تجربه نشان داد که تحولات پس از پایان جنگ گاه دشوارتر از خود جنگ هستند، زیرا میدان نزاری و رقابت‌های سیاسی، رسانه‌ای و قضایی شکل می‌گیرد که به همان اندازه حساس است و فضای پاسخگویی، انسجام ملی که در جریان بحران شکل گرفت، بزرگ‌ترین سرمایه سیاسی دولت به شمار می‌رود. افزایش اعتماد عمومی به دولت، نیروهای مسلح و کابینه موفق نتایج حاصلی، ضایعات فزاینده می‌کند که می‌تواند بستری برای آتش اصلاحات ساختاری باشد. اما همان‌طور که تجربه تاریخ معاصر ایران و دیگر کشورها نشان داده، چنین سرمایه‌ای اگر در کوتاهمدت به دستاوردهای ملموس اقتصادی و اجتماعی تبدیل نشود، به‌سرعت تعجیل می‌رود. دولت پوششبان در این مقطع با یک راه‌آهی استراتژیک مواجه است. این راهی همبستگی ملی و اعتماد عمومی پربار برای اصلاحات اقتصادی و سیاسی نفعده، اما اجازه دهد که این انرژی اجتماعی به تدریج فروکش کند و میدان برای بازگشت شکاف‌های سیاسی و اقتصادی باز شود. از سوی دیگر بحران هسته‌ای و ادامه مذاکرات در فضای پاسخگویی هرگز پیچیده‌تر از ادامه سیاست‌های فضا که اروپا نیز با تهدیدهای مالی و مکانیک گشته عملی‌تر شدت فشار افزوده است. این تهدید به معنای بازگشت بحریه‌های شورای امنیت سازمان ملل است که می‌تواند تبعات گنجگویی بر اقتصاد ایران بگذارد. در فضای پاسخگویی، بخشی از سرمایه هر گونه مذاکره را نشان عقب‌نشینی می‌داند و بخشی دیگر، عدم ادامه مذاکرات را عامل تشدید مشکلات اقتصادی و انزوا سیاسی قلمداد می‌کند. در کل افکار عمومی داخلی نسبت به توافق بدبین‌تر از گذشته شده است. اختلافات داخلی میان جریان‌های سیاسی نیز روند هماهنگی را دشوارتر کرده است. دستگاه دیپلماسی ایران در چنین فضایی با تاجار است هم‌سطح درامی هسته‌ای کشور را حفظ کند و هم از بسته‌شدن کامل درهای دیپلماسی جلوگیری نماید.

قفقاز جنوبی؛ تہدید ژئوپلیتیکی

در همین زمان، تحولات قفقاز جنوبی به یک چالش جدی دیگر بدل شده است. توافق میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر کریدور زنگزور، و مباحثاتی که این ایالات متحده در این گفت و گو برپا می‌کند، موضوعی اساسی برای ترانزیتی در منطقه است. تغییر دهنده موضع رسمی ایران در برابر این پروژه صریح و شفافانه در دهان بوده است. اما تجربه به نشان داده است که صرف فقدان دیدگاه کافی نیست. دولت برشکبان برای حفظ جایگاه ایران در معادلات منطقه، باید ابتکار عملی داشته و دیپلماتیک و اقتصادی تازای را در حفظ آغاز کند. برخی تحلیلگران معتقد هستند که ورود فعالتر و زودهنگام‌تر می‌توانست اثر گذاری بیشتری در تأمین منافع ملی ایران داشته باشد. بر مبنای تجربیات بین المللی گذشته، در فضای تعاملات بین المللی، هر چند هم به قوانین و نهادهای بین المللی به اعتبار شده باشند. کشور میزبان تأمین منافعش به هر دلیلی دانا کند، در موردش تذکره خواهد کرد و به سوژه مذاکره دیگران بدل خواهد شد. اگر کشوری برای گفت و گو دیر میز نماند، روی میز قرار خواهد گرفت و به موضوع گفتگوی دیگران تبدیل خواهد شد. در این موضوع کمکی به تأمین منافع ملی آن کشور نخواهد بود. دولت چهاردهم همواره باید سعی داشته باشد که از وقوع چنین اتفاقی اجتناب کند. **دیپلماسی اقتصادی؛ فرصت‌سازی**

گذاشته، یکی از ستون‌های اصلی سیاست منطقه‌ای تهران و در راستای مبارزه با داعش و تروریسم با بازدارندگی از طریق گسترش عمق استراتژیک و توانمند سازش محور مقاومت بود. رفتن اسد به معنای بازتعریف این معادله بود. پس از سقوط حکومت بشار اسد، نفوذ ایران در دمشق و محور مقاومت به‌طور محسوسی تضعیف شد. با این حال، نیروهای ترکیه، کشورها و حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی به یکدیگر گام مؤثر در سوریه برداشته‌اند. تحولات، آژمونی بزرگ برای انتعاف‌پذیری ساختار خارجی ایران به مواج‌ه با تغییر ساختاری در موازنه‌های نیرو در منطقه محسوب می‌شود.

بازگشت دیپلماسی در سایه بحران

دولت پزشکیان با گفتمان وفاق ملی در سیاست داخلی و عقلانیت و دیپلماسی خارجی به قدرت رسید و در همان ماه‌های نخست، تغییر نقش و رویکرد در سطح سیاست خارجی آشکار شد. دولت چهاردهم از همان ابتدا تلاش کرد که گام‌های مهمی در مسیر خارج‌سازی ایران از بن‌بست‌های سیاست خارجی در دوره قبل بردارد. یکی از مؤلفه‌های کلیدی سیاست خارجی پزشکیان، تقویت دیپلماسی همسایگی بود. رویکردی که دولت چهاردهم با نگاهی متفاوت و سازنده‌تر سعی در بازتعریف آن داشت. سفرهای رئیس‌جمهور به عراق، قطر، ترکمنستان، ازبکستان و ازبکستان، تحولات ازلویت سیاست خارجی منطقه‌ای داشت. هم‌زمان پرداخت مذاکرات هسته‌ای دوباره به اولویت اصلی سیاست خارجی بی‌ازگشت. در میان مجموعه بحران‌های امنیتی و منطقه‌ای، روندی دیگر در لایه پنهان دیپلماسی در حال شکل‌گیری بود: آغاز دور زدن از مذاکرات غیر مستقیم بین ایران و ایالات متحده. این مذاکرات در چارچوبی مستقل و از فروردین ۱۴۰۴ آغاز شد؛ یعنی زمانی که دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا آغاز شده بود و واشنگتن به دنبال احیای کانال‌های گفت‌وگو با تهران بود. پیش‌تر، افسانه ۱۴۰۳، ترامپ با ارسال نامه‌ای به رهبر ایران، سیگنال اولفندی برای گفت‌وگو فرستاده بود. پاسخ ایران به این نامه، چراغ‌سبزی برای مذاکرات غیر مستقیم بود که در مسقط و رم، با میانجی‌گری عمانی‌ها و برخی کانال‌های اروپایی به‌رگزار شد. هرچند این مذاکرات هم‌زمان با بحران‌های منطقه‌ای و میدانی در جریان بود، اما اهمیت آن در نظر راهبردی انکارناپذیر بود. چراکه اگر این تلاش می‌کرد ضمن حفظ مواضع اصولی خود، از بسته‌شدن درهای دیپلماسی جلوگیری کند. در مجموع، با تپش از وقوع جنگ ۱۲ روزه، پهنی دور از این گفت‌وگوها به‌رگار شده بود. اما با آغاز تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی، دور ششم مذاکرات لغو شد و فضای گفت‌وگو به حالت تعلیق درآمد.

جنگ ۱۲ روزه؛ میدان چند گانه تقابل

اوج چالش‌های امنیتی دولت پزشکیان در خرداد ۱۴۰۵

رقم خورد، زمانی که در آستانه سرد شدن و ششم ماهنامه هسته‌ای با امریکا ریزیم صهیونیستی جبهه نظامی را علیه ایران گشود. تل آویسو اهداف چندگانه‌ای را در این تجاوز نظامی دنبال می‌کرد: از بین بردن برنامه هسته‌ای و ظرفیت دفاعی و موشکی ایران، باخالی از رسانای تغییر حکومتی و ساختار سیاسی در ایران، داخلی این تجاوز نظامی با تشدید جنگ رسانه‌ای هدفمند علیه ایران شدت گرفته. از یک سو رژیم صهیونیستی در تلاش بود که در فضای رسانه‌های غربی و افکار عمومی غرب، این تجاوز نظامی را دفاع مشروع از خود جلوه دهد، و از سوی دیگر با استفاده از رسانه‌های فارسی‌زبان مثل ایران اینترنشنال سعی در جهت دهی به افکار عمومی داخل ایران داشت. علاوه بر این موارد، نگرانی از گسترش جنگ به سطح منطقه‌ای به‌شدت افزایش یافت و با ورود مستقیم آمریکا به جنگ دو چندان شد. ایران در پاسخ به حملات رژیم صهیونیستی، مجموعه عملیات وعده صادق ۳ را آغاز کرد که در مقایسه با دو عملیات پیشین، هم از نظر حجم حملات، و هم از نظر هدف‌گیری و پیچیدگی فن، و از نظر تعداد، عملیات، سطحی جدید از توان نظامی ایران را نمایان ساخت. هدف قرار دادن اهداف نظامی، امنیتی و استراتژیک رژیم صهیونیستی نشان داد که ایران نه تنها در پاسخ متقابل، بلکه در استعمار قدرت‌نمایی نیز توانایی تاکتیکی و راهبردی بالایی دارد. برخلاف عملیات پیشین درگیری‌ها که معمولاً با پاسخ نظامی را به‌مناسبت گذاشتند، این بار ایران با تأکید بر تداوم پذیری پاسخ‌ها، سطح تازه‌ای از توان و محاسبات نظامی را به نمایش گذاشتند. این میان، هماهنگی نزدیک و همکاری با همسایح دولت ایران‌های نظامی، امنیتی و دیپلماتیک، نقش کلیدی داشت. این هم‌افزایی نهادی، از یک‌سو به اتخاذ تصمیم‌های سریع و دقیق برای کنترل شرایط داخلی کشور در شرایط بحرانی کمک کرد و از سوی دیگر، توانست پیام مجموعه عملیات‌های وعده صادق ۳ را سطح بین‌المللی با گفتمان سیاسی و دیپلماتیک دولت همسو کند؛ به‌گونه‌ای که

[illegible]

ترور اسماعیل ہنیہ؛ نخستین شوک امنیتی

هنوز جوهر حکم ریاست جمهوری در کدر پرسش‌های محسوس شده بود که خبر ترو در اسماعیل‌هویه، رئیس دفتر سیاسی حماس، ترو تهران، باعث یک صاعده خراب‌آبادی برای نیروی ملی‌گرایان راست و یمن واقع‌فراست به یک رخداد امنیتی نبود؛ بلکه به‌مثابه یک شوک سترگ‌تر، یک نظریه روانی معادلات منطقه‌ای راه‌گفتار گرفت. ابتداء این ترو، آن‌هم با این سطح از ذقت و پیچیدگی بود، که منظر، حمله در بازگشت مستشار جلدی را در سطح‌های مختلف حاکمیتی به‌صدا درآورد. این حادثه نشانه‌ای بود از آن‌که سیاست‌های دشمن قادرند با بهره‌گیری از شبکه‌های اطلاعاتی به پیشرفت در حمایت و عوامل نفوذی، دست به اقداماتی بزنند که پیش‌قدم بعد فیزیکی، ترو روانی و رسانه‌ای گسترده بین المللی داشته باشد. انتخاب مکان، زمان و نحوه اجرا، همگی حکایت از طراحی هدفمندی داشت که پیام آن صرفاً حد فاصل یک شخصیت سیاسی نبود، بلکه ابتداء این فاجعه، ایجاد تزلزل و خرابی قدرت در زمین حریف بود. بدین‌معنی، ترو تهران، از جنبه امنیتی، وارد حوزه راه‌گفتار قدرت گردید. یعنی همان جایی که سیاست از طریق ترو، به دیپلماسی غیررسمی بدل می‌شود. به عبارت دیگر ترو در اینجا فقط یک حمله خشن نیست، بلکه زبان جایگزین دیپلماسی است، و اکثراً ایران را آن‌جا چارچوب کردن برپایزنی سیاست و سرچاهی مرحله‌ای تعریف‌شد. برخلاف انتظار برخی محافل که منتظر پاسخ فوری بودند، تهران استراتژی شناخته‌شده خود را در دستور کار قرار داد: انتخاب زمان، مکان و سطح پاسخ به ارباب حساسات. این‌همه، کار و آواژ، یک هدف این‌حسبی، هدف این رویکرد، حفظ حاکمیت، استمرار و فعال ماندن نگه‌دارنده، نه در قالب مذاکره، رابطه، همکاری، یا چارچوب مدیریت برادران، که در قالب سوء تفاهم، خطای محاسباتی در فضای ترش منطقه، تحلیل‌گران بین‌المللی این استراتژی را پیامی دوگانه توصیف کردند: این ترو آن‌را در ذهن پاسدار دارد، اما حاضر نیست با اقتدان در دام طراحی شده، وارد منطقه را در جنگی بی‌پایان کند.

سید حسن نصرالله؛ زلزله‌ای سیاسی-امنیتی در

منطقه

هنوز جامعه ایران و جهان عرب از شوک حادثه تهران خارج نشده بودند که خبر ترور سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان، در رسانه‌ها منتشر شد. او که بیش از سه دهه رهبری یکی از مؤثرترین بازیگران در صحنه‌های خاورمیانه را بر عهده داشت، در یک محرم مجروح مقاومت نقطه نظر کلیدی فراموش نماند؛ بلکه نمادی از پیوند ایدئولوژیک، کاریزمایی و انسجام راهبری در محسوب می‌شد. حذف او زلزلای سیاسی - امنیتی بود که توازن نیروها در لبنان، منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. این رویداد می‌توانست برای ایران حامل یک پیام راهبردی باشد: ضرورت تقویت پیوسته‌ای بحران در کنار حمایت‌های نظامی و ایجاد لایه‌ای شیبانی سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای در کشورها و مجاهدات برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر چنین شوک‌هایی.

عملیات وعده صادق ۲

در چنین فضای، ایران عامل صادق ۲ را اجرا کرد. این عملیات حدود دو ماه بعد از ترو اسماعیل هنیه در ایران و ۴ روز بعد از ترور سید حسن نصرالله و برخی همراهان ایشان از جمله سردار عباس نیکفروشان در لبنان، در مهر ماه ۱۴۲۰ صورت گرفت. نام پنداری و انتخاب اهداف در این عملیات، حاصل پیامی گمراه کننده بود. این اقدام و اکثشی صرف پیام بدی به بخشی از راهبرداران دین گوی محسوب می شد. پیام روشن این بود که ایران قادر است ابتکار عمل را در میدان حفظ کند، بدون آنکه در چرخه واکنش های فرسایشی گرفتار نشود. بر شیروانی تحلیل گران سیاسی و نظامی منطقه بیان کردند که این عملیات، تل آویز و متوجه کره ایران می تواند عرضه یزند و همزمان مسیر دیپلماتی را باز نگه دارد.

این اقدام همچنین آزمونی برای هماهنگی میان نیروهای نظامی، دستگاه دیپلماسی و رسانه‌های داخلی بود؛ هماهنگی‌ای که در ماه‌های بعد، به‌ویژه در جنگ ۱۲ روزه، اهمیت خود را بیش از پیش نشان داد.

در آذر ۱۴۰۳، صحنه سیاسی سوریه با کنار رفتن بشار اسد دستخوش تغییر شد. روابط ایران و سوریه در دو دهه

صنایع چوب

حلاج کیش

کلیه سفارشات

MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل